

مقاله پژوهشی: راهبرد قدرت نرم آمریکا در قبال ایران در دولت یازدهم و دوازدهم

محمدعلی شعبانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳

چکیده

قدرت نرم در ایالات متحده آمریکا مبتنی بر دیپلماسی عمومی، مجموعه اقداماتی است جهت نفوذ بر نگرش‌های عمومی که بر تکوین و اجرای سیاست خارجی کشورها و مردم مؤثر هست. آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران، تمام قوای خود را با استفاده از قدرت سخت و بکارگیری آن در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده نمود اما با شکست مواجه گردید. (شکست عملیات طمس، جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران و تحریم‌های اقتصادی و...) در ادامه این تقابل؛ دولت مردان آمریکا، رویه و تفکر استفاده از قدرت نرم را اتخاذ نموده و رویکرد خود را با استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم و دخالت غیرمستقیم در جامعه توده‌ای و نخبگانی در جهت استحاله نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر دادند. هدف از این پژوهش شناسایی و تبیین میزان نفوذ قدرت نرم آمریکا در جمهوری اسلامی ایران و چگونگی اجرایی کردن میزان نفوذ از طریق مؤلفه‌های قدرت نرم می‌باشد. این تحقیق در پی بررسی این سؤال هست که آمریکا از طریق قدرت نرم خود در دولت یازدهم و دوازدهم چگونه ایفای نقش نموده و نفوذ خود را تعمیق بخشیده است، فلذا فرضیه‌ایی که این موارد را در برمی‌گیرد عبارت است از اینکه؛ آمریکا به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی با اثرگذاری بر سطح آگاهی‌ها، تغییر سبک زندگی و افزایش مطالبات سیاسی در دولت یازدهم و دوازدهم موجب تقویت بسترهای بی‌ثباتی سیاسی و نفوذ در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی گردیده است. روش تحقیق در این پژوهش تبیینی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم آمریکا، مؤلفه‌های قدرت نرم، ثبات سیاسی، سبک زن

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران، تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

قدرت نرم در ایالات متحده آمریکا را می‌توان برحسب ساختار محوری و سازمان‌های مربوط به آن در خارج از این ساختار در درون طیف قدرت نرم سیاست خارجی آن کشور بررسی کرد. هرچند هم‌دست اندرکاران و هم نظریه‌پردازان، تعریف‌های بی‌شماری در مورد قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا ارائه کرده‌اند اما طبق آخرین بررسی‌ها در این زمینه؛ **فعالیتی که می‌کوشد به افراد و سازمان‌های خارج از کشور اطلاع‌رسانی کند و آن‌ها را درگیر سازد تا فهم در مورد آمریکا و نیز نفوذ آن را به شیوه‌ای سازگار با اهداف میان‌مدت و بلندمدت دولت بهبود بخشد.**

فرآیند قدرت نرم آمریکا ناشی از ابهام در برداشت‌ها در مورد سیاست خارجی آن کشور است که چندان شفاف نمی‌باشد. محور مباحث موجود در زمینه قدرت نرم سیاست خارجی آمریکا را می‌توان به‌قرار ذیل عرضه کرد: معرفی آمریکا به‌عنوان یک ملت اقتصادی مدرن دنیا؛ سرزمین الگوهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که اصول سیاست خارجی خود را در عرصه جهانی بازتابی از سیاست‌های دیرینه و منافع محور معرفی می‌کند. در واقع سیاست خارجی آمریکا را می‌توان مبتنی بر حفظ یک سیاست داخلی و خارجی متوازن، رعایت اصل موازنه میان قدرت و تعهد، فدا نکردن رفاه و توسعه داخلی در برابر سیاست‌های خارجی و دفاعی پرستیژی و کمرشکن در طول یک قرن و نیم از زمان استقلال خود دانست که علاوه بر نیمکره غربی، امروزه در اقصی نقاط جهان و به‌عنوان گوناگون حضور داشته و در سیاست‌های جهانی دارای نقش مؤثری است (خطیب زاده، ۱۳۹۴: ۴۵).

ایالات متحده آمریکا، از زمان استقلال خود از انگلستان تاکنون همواره دارای سیاست خارجی فعال و گسترده‌ای در جهت برآورده کردن منافع خود و سپس در برهه‌های بعدی علاوه بر منافع خود تأمین‌کننده منافع جهان غرب نیز بوده است. قدرت نرم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا باملاحظه معیارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح داخلی و منطقه‌ای سبب گردیده است تا سیاست خارجی این کشور دستخوش یک نوع بازنگری جدی شود.

دغدغه اصلی در این پژوهش؛ بررسی چگونگی ایفای نقش دیپلماسی و قدرت نرم آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی در دولت یازدهم و دوازدهم می‌باشد. برای رسیدن به نتیجه‌ای درخور و متقن، ابتدا مهمترین مؤلفه‌های منابع قدرت نرم آمریکا و مهمترین تاثیر پذیری جامعه ایرانی از قدرت نرم آمریکا احصاء گردیده است. در همین راستا اصلی‌ترین عوامل افزایش دهنده قدرت نرم آمریکا در دوران ریاست جمهوری دولت یازدهم و دوازدهم با بیان شاخصه‌های بی‌ثباتی که موجب تاثیر

گذاری و نفوذ راهبردی دولت آمریکا در ایران گردیده در نظر گرفته شده است فلذا در فرضیه اصلی پژوهش پیش رو می‌خواهیم قدرت تأثیر دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم آمریکا را بر اساس مؤلفه‌هایی در قبال جمهوری اسلامی ایران موردسنجش قرار دهیم تا میزان اثربخشی این مؤلفه‌ها را بر میزان بی‌ثباتی سیاسی در دولت یازدهم و دوازدهم بسنجیم. با توجه به اینکه به قول مقام معظم رهبری "نفوذ جریانی" بسیار خطرناک‌تر از نفوذ و رخنه فردی است و تهدیدات حاصل از این امر بسیار گسترده‌تر و جدی‌تر از تهدیدات سخت‌افزاری است، انجام تحقیقی برای سنجش منابع، مؤسسات و ابزارهای قدرت نرم آمریکا و میزان تأثیرگذاری آن بر جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت و ضرورت بالایی است تا از نتایج حاصل از آن، در راستای جلوگیری از جریان استعمار فرانو با رویکرد استحاله نظام، تغییر سبک زندگی، برنامه‌ها و راهبردهایی برای مقابله با قدرت نرم این کشور و دیگر کشورها تدوین نماییم.

پیشینه شناسی تحقیق

موضوع دیپلماسی عمومی و قدرت نرم طی دو دهه اخیر با ابعاد جدیدی همچون «نفوذ» در ادبیات علمی و سیاسی کشور وارد شده و مفهوم عمیقی را به خود اختصاص داده است. در این خصوص پژوهش‌های موردی خوبی صورت گرفته است که اختصاص به یک دوره خاص ندارد و بصورت کلی اثربخشی قدرت نرم را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند.

۱. مقاله راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران که بطور کلی به فرآیند قدرت نرم آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی و روند شکل‌گیری دیپلماسی آمریکایی را در قبال جمهوری اسلامی ایران تبیین نموده و به برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا اشاره نموده است (خداوردی و رحمتی ۱۳۹۷).

۲. مقاله جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی تلاش دارد با رویکردی توصیفی - تحلیلی به شناسایی عوامل و مولفه‌های قدرت نرم پردازد و جایگاه این مولفه‌ها را در قدرت نرم ایران بررسی کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مولفه‌های قدرت نرم در مجموع اثرگذاری مثبتی بر قدرت ملی ایران دارند، اما کشور ما نتوانسته است از مولفه‌های فراملی موثر بر قدرت نرم، بهره‌برداری بهینه و مناسبی کند (پیشگاهی فرد و همکاران ۱۳۹۰).

۳. مقاله راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا به بررسی توانایی‌ها و ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی

ایران در برابر تهدیدات هوشمند آمریکا و شناخت آن در ابعاد مختلف پرداخته است (جنیدی و ملائی ۱۳۹۸).

در رابطه با سایر منابع مطالعاتی اعم از کتاب‌های تألیفی و برخی منابع روزنامه‌ای و پژوهشی می‌توان ادبیات تحقیق را در سه دسته تقسیم‌بندی نمود:

دسته اول: تألیفات و منابع مطالعاتی که به ماهیت و مباحث نظری قدرت نرم و دیپلماسی عمومی پرداخته‌اند؛

دسته دوم: کتاب‌هایی که در زمینه روابط و سیاست خارجی ایران و ایالات متحده آمریکا منتشر شده که همگی به علل، شرایط و چگونگی تعاملات و ارتباطات ایران و آمریکا از لحاظ تاریخی (قبل از انقلاب) و دلایل و چگونگی قطع ارتباطات ایران و آمریکا (بعد از انقلاب) اشاره می‌کنند؛

دسته سوم: منابع روزنامه‌ای و گزارش‌های داخلی مراکز مطالعاتی و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها می‌باشد؛

در پژوهش پیش رو؛ با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری؛ نفوذ جریانی بسیار مهم و خطرناک‌تر از نفوذ و رخنه فردی است و تهدیدات حاصل از این امر بسیار گسترده‌تر و جدی‌تر از تهدیدات سخت‌افزاری است، فلذا انجام چنین تحقیقی برای سنجش منابع، مؤسسات و ابزارهای قدرت نرم آمریکا و میزان تأثیرگذاری آن بر جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت و ضرورت بالایی است که تاکنون در این سطح انجام نشده است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در راستای جلوگیری از جریان جدید استکبار با رویکرد استحاله نظام، تغییر سبک زندگی مؤثر باشد و می‌توان برنامه‌ها و راهبردهایی برای مقابله با قدرت نرم این کشور و دیگر کشورهای جهان تدوین نمود.

تعریف مفاهیم

الف: راهبرد

راهبرد به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنها است. به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلند مدت مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است.

ب: قدرت نرم

قدرت نرم در سیاست بین‌الملل بر عکس قدرت سخت، به جای اجبار، توانایی جذب و انتخاب است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل‌دادن به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و جذب

است. یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. جنگ نرم بدون استفاده از قدرت سخت به دنبال از پای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف و عملیات روانی، تلاش‌های برنامه‌ریزی شده‌ای برای تأثیرگذاری بر نگرش و رفتار و همراه‌سازی تفکرات مخاطبان هدف است (محمدی و همکاران ۱۴۰۰).

ج: ابزارهای قدرت نرم

ابزارهای قدرت نرم در آمریکا از نظر این تحقیق، عبارت است از دیپلماسی چندجانبه، رسانه‌های فارسی‌زبان (VOA, BBC, IR.International)، مؤسسات مطالعاتی، وزارت امور خارجه (از جمله DRL)، USaid، و ...

د: مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا

مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا در عرصه داخلی از منظر این تحقیق عبارت‌اند از: فرهنگ و اجتماع، موسیقی، فرهنگ و سنن، ادبیات، جاذبه‌های گردشگری، نقش افکار عمومی، سیاست‌های جذب توریسم. در بعد رسانه این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از رادیو تلویزیون‌های جهانی، تلویزیون‌های فارسی‌زبان، دوره‌های آموزشی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات. در بعد دانش نیز عبارت است از: نقش دانشگاه‌ها و مراکز علمی، بورس‌ها و گرنت‌ها و نیز سهم جهانی در ارائه فناوری‌های مدرن. مؤلفه‌های قدرت نرم آمریکا در عرصه بین‌المللی عبارت است از: ارتباطات دیپلماتیک مؤثر با سایر دولت‌ها، تعامل و اثربخشی بر سازمان‌های بین‌المللی شامل دیپلماسی چندجانبه‌گرایی، دوجانبه‌گرایی و تک‌جانبه‌گرایی.

ه: ظرفیت‌های موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی:

مجموعه‌ای از ظرفیت‌های آمریکا شامل منابع و ابزارهای قدرت نرم آمریکا و ظرفیت‌ها و عوامل داخلی که تأثیرگذاری این منابع را به صورت بالفعل درمی‌آورد را در برمی‌گیرد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مبانی فکری جوزف نای

قدرت نرم اولین بار به‌عنوان یک نظریه منسجم توسط جوزف نای مطرح شد و به همین دلیل از وی به‌عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. وی مفهوم قدرت نرم را برای نخستین بار در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه «آتلانتیک» در مارس ۱۹۹۰ مطرح کرد، (Nye, 1990 : 45) در این مقاله نای اشاره می‌کند که در عصر حاضر قدرتی فراتر از

سلاح‌های کشنده برای تسلط بر کشورها وجود دارد که آن قدرت نرم است و راه نجات آمریکا از وضعیت نامساعد کنونی را در قدرت نرم دنبال می‌کند. نای در مقاله‌ای دیگر به‌طور جدی به کاهش قدرت نرم آمریکا در جوامع خاورمیانه و حتی متحدین آمریکا به دلیل انجام عملیات مخفی سازمان‌های جاسوسی و نظامی آمریکا اشاره کرد و البته در همین مقاله با تفاوت قائل شدن میان پروپاگاندا و قدرت نرم به مفهومی به‌عنوان نفوذ و اقتناع اشاره می‌کند و شاهد مثالی از ایران بیان می‌کند که اگرچه رهبران ایران از آمریکا به‌عنوان «شیطان بزرگ» یاد می‌کنند، اما جوانان ایرانی به‌طور مخفیانه به تماشای فیلم‌های هالیوودی می‌پردازند و عکس‌های خوانندگان رپ و هنرپیشه‌های آمریکایی را در لباس‌های خود استفاده می‌کنند (Nye, 2003 : 87).

۲-۱. قدرت نرم و قدرت سخت

نای که از نظریه‌پردازان برجسته در حوزه مطالعه‌ی قدرت نرم است آن را چنین تعریف می‌کند: «قانع کردن دیگران به دوست داشتن آنچه ما دوست داریم» (Nye, 2008 : 28). مفهوم این تعریف آن است که محرک اصلی قدرت نرم فراتر از امور مادی و اجبار دیگران به همکاری می‌باشد. نقطه‌ی عزیمت اصلی این نوع از قدرت، خرسند کردن و ایجاد رضایت است که به منابعی از قبیل ایدئولوژی، مذهب، ارزش‌ها، سازمان ملل و افکار عمومی متکی است. نام دیگر قدرت نرم «قدرت جذاب» است چراکه به‌موجب نفوذ در ترجیحات اجتماعی مردم با کمترین هزینه قدرت دولت‌ها را حفظ نموده یا افزایش می‌دهد.

۳-۱. ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم در کنار قدرت سخت توانایی دولت‌ها در پیگیری اهدافشان را بسیار افزایش می‌دهد. به‌این ترتیب که با فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و دسترسی آسان مردم به این شبکه‌ها، تأثیرگذاری قدرت نرم رشد روزافزونی یافته است. به تعبیر کاستلز جامعه شبکه‌ای دارای ویژگی‌هایی مثل غیر مرکزی بودن، به هم پیوستگی و قابلیت دسترسی آسان است که سبب می‌شود ارتباطات در این شرایط، ارتباطات همه‌جا حاضر یا ارتباطات لحظه‌ای گردد (عاملی، ۱۳۸۳: ۲۸). خلاصه اینکه محور اصلی در قدرت نرم تأثیرگذاری و مفاهمه است و به‌هیچ‌عنوان به حقیقت به‌عنوان مفهومی ساده و ثابت نمی‌نگرد بلکه آن را دارای ماهیتی پیچیده، اجتماعی و فراگیر می‌داند.

۲. دیپلماسی رسانه‌ای و سیاست خارجی

امروز بر همگان روشن است که رسانه به‌هیچ‌وجه بی‌طرف نیست، لذا هیچ‌گاه رسانه‌ها منعکس‌کننده تمام واقعیت نمی‌باشند. تمام رسانه‌ها بر اساس منظر، اهداف، ارزش‌ها و حتی توانایی‌های فنی

واقعیت را بازتاب می‌دهند (Anne Hill & James Watson, 2006 :248). از این رو رسانه‌ها برای مخاطب دانش و شناخت «خلق» می‌کنند. این امر موجب شده که امروزه رسانه‌های اجتماعی اهمیت فوق‌العاده‌ای یابند. به قسمی که بسیاری از اندیشمندان قدرت دولت‌هایی مانند ایالات متحده را ناشی از توجه ویژه به این حوزه دانسته و قدرت این کشور را به هژمونی فرهنگی تعبیر کنند (رکن آبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۲ : ۱۱۷). در این ارتباط بد نیست به آراء دو تن از متفکرین مکتب فرانکفورت، آدرنو و هورکهایمر اشاره نماییم که معتقدند جهان مدرن با تکیه بر وسایل ارتباط جمعی به «صنعت فرهنگ» و دست‌کاری در افکار عمومی پرداخته و پروسه «یکسان‌سازی» را به انجام می‌رساند (آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۴ : ۲۱۹-۲۰۹). مکانیسم صنعت فرهنگ به تعبیر آنان چنین است که رسانه‌هایی مانند سینما، تلویزیون و رادیو با تولید فیلم، خبر، کتاب، موسیقی و سایر محصولات فرهنگی بینندگان و شنوندگان را متقاعد می‌سازند که جهان خارج ادامه تصاویری است که می‌بینند. به باور این دو متفکر هرچقدر فن‌آوری با دقت بیشتر امور تجربی را بازتولید نمایند، این توهم نزد مردم بیشتر شکل می‌گیرد که آنچه می‌بینند عین واقعیت است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷ : ۳۱).

۱-۲. جایگاه دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی آمریکا

هم‌زمان با پیدایش و گسترش مطبوعات در قرن نوزدهم میلادی، این رسانه نقش مهمی در طول جنگ بر عهده گرفت. به‌عنوان مثال در جنگ ویتنام رسانه‌ها به‌خوبی به کمک دولت ایالات متحده برای کنترل افکار عمومی آمد (Lyn Gorman and David Mclean, 2003 : 170). نمونه مهم دیگر جنگ خلیج فارس است که دولت آمریکا با تکیه بر رسانه‌ها توانست همراهی افکار عمومی در حمله به عراق را کسب نماید. در این رابطه اندیشمندی چون چامسکی در کتاب کنترل رسانه‌ها با اشاره به جایگاه رسانه‌ها در کنترل و مدیریت افکار عمومی و هدایت خواست شهروندان آمریکایی در مسائل خارجی سخن می‌گوید (نوام چامسکی، ۱۳۸۹ : ۲۸).

۲-۲. نقش قدرت آمریکا در رسانه‌ها

ابزار اصلی قدرت نرم آمریکا رسانه‌ها هستند. در تولید فیلم‌ها، برنامه‌های سیاسی و تبلیغاتی شبکه‌های رسانه‌ای نقش برجسته‌ای دارند. ارتقای موقعیت اجتماعی، سیاسی و مشروعیت آمریکا در سیاست‌های جهانی تا حد زیادی وابسته به رسانه‌هاست. پخش برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی در سال ۱۹۲۷ سرآغاز تاریخ فعالیت‌های رسانه‌ای آمریکا با فناوری تلویزیون می‌باشد. نقش برجسته رسانه‌ها در سیاست از این مهم ناشی می‌شود که اگر افکار عمومی نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع شود، آنگاه دولت‌ها زیر فشار افکار عمومی ناگزیر به انجام آن خواهند بود. اهمیت رسانه‌ها به اندازه‌ای

است که امروزه قدرت تعیین سرنوشت ملت‌ها از کنترل آن‌ها خارج و به دست رسانه افتاده است (ضیایی پور، ۱۳۸۴ : ۱۲۸) برخی معتقدند که اهمیت رسانه به‌اندازه‌ای است که قدرت تعیین سرنوشت و حاکمیت انسان‌ها را از آنان سلب و در اختیار خود گرفته‌اند و تسلط ویژه‌ای بر اندیشه‌ها، احساسات و ادراک انسان‌ها پیدا کرده‌اند (کرمی، ۱۳۸۶ : ۶۰). قدرت نرم با استفاده از شبکه‌های اینترنتی در فضای جامعه بازتولید می‌گردد؛ این توانایی از سوی آمریکا از سال ۱۹۸۰ در جهان به‌عنوان یک کالای اجتماعی در اختیار همگان قرار گرفته است. توانایی به‌کارگیری قدرت نرم رسانه‌ای از سوی دولت‌مردان آمریکا توانست فضای فرهنگی ایجاد کند که بدون توسل به‌زور قدرت اقناع جامعه جهانی را با قدرت جذاب مبتنی بر ارزش‌های غربی فراهم نماید (عسگری، ۱۳۹۱ : ۱۵۱).

۲-۳. قدرت نرم آمریکا در ایران

ستون فقرات قدرت نرم ارزش‌های مشترک است. از این‌رو تعاملات فرهنگی در کنار تبلیغات رسانه‌ای مرکز توجه دولت‌ها در عرصه قدرت نرم می‌باشد. با کمک قدرت نرم زمینه‌ای فراهم می‌شود که مردمان جامعه مقصد در اندیشه، رفتار، سبک زندگی، مشابه دولت مبدأ گردند. در این ارتباط نحوه انتقال پیام و بازتاب تصاویر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نکته لازم به ذکر اینکه پی بردن به این امور بدون توجه به تغییرات پیوسته و تحولات پیچیده محیط بین‌الملل مقدور نخواهد بود (ذوالفقاری، ۱۳۹۱ : ۵۲).

موضوع دیپلماسی عمومی و به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه محققین قرار گرفته است. چراکه به سبب گسترش فناوری ارتباطی که امکان مبادله اخبار و اطلاعات را تسهیل نموده، همچنین با افزایش تأثیر افکار عمومی بر دولت‌ها، مسئله افکار عمومی و تأثیر بر آن به موضوع مهمی بدل گردیده است. به این جهت است که آمریکا به سامان‌دهی سیاست‌های خود در این حوزه توجه ویژه‌ای مبذول نموده است. به عبارت روشن و دقیق‌تر ایالات متحده از سال ۱۸۱۹ برنامه منسجم و دقیقی برای ارائه چهره‌ای باشکوه از خود، و سبک زندگی آمریکایی تدوین نموده است (صادقی و اسفندیاری، ۱۳۹۲ : ۲۵).

۳. ابزارهای قدرت نرم آمریکا در جمهوری اسلامی ایران

در بررسی کارکرد متغیرها، قدرت نرم ایالات متحده آمریکا به‌عنوان متغیری مستقل برای اثرگذاری بر متغیر وابسته که همان کشور جمهوری اسلامی در زمان دولت آقای حسن روحانی یعنی دولت یازدهم و دوازدهم بوده، اجماع جهانی علیه ایران بخصوص از طریق ظرفیت‌های بین‌المللی باعث شد تا دولت آمریکا قدرت نرم و هژمونی خود را بر جمهوری اسلامی ایران تسری دهد. آمریکا به

خاطر هژمونی قدرت و تسری قدرت به شکل نرم، بر اساس ترجیحات کشورها و ظرفیت‌های موجود به ترویج منابع قدرت نرم جهانی، شامل ابزارهای جهانی شدن ارتباطات و مؤسسات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد؛ و از طرف دیگر متناسب با نیاز کشورها و ظرفیت آن‌ها، از ابزارها و منابع خاص استفاده می‌نماید. ما در این رابطه به مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱-۳. برنامه فولبرایت برای تبادل استاد، دانشجو و معلم

اقتصاد و سیاست نقش مهمی در فرایند موسوم به جهانی شدن دارند. وزارت خارجه آمریکا به عنوان مجری اصلی سیاست در آمریکا خصوصا در عرصه جهانی سالهاست که به شکل موثری در این حوزه ورود نموده است. برنامه فولبرایت که در این وزارتخانه اجرا می‌شود یکی از موفق‌ترین برنامه‌ها طی جنگ سرد در عرصه دیپلماسی عمومی بوده است که هدف آن ایجاد تغییر در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت‌های هدف می‌باشد. در این برنامه بودجه‌های هنگفتی به بخش ایران اختصاص یافته است تا از طریق جذب طبقه دانشگاهیان و دانشجویان زمینه تاثیر قدرت آمریکا بر ایران را مهیا سازد. به عنوان شاهد این ادعا می‌توان به مکاتبات فردی به نام ادوارد مانک با دانشگاه تهران برای تبادل استاد و دانشجو اشاره نمود (اصغری راد، ۱۳۹۰: ۷۱). با توجه به درخواست وزارت خارجه آمریکا بودجه این برنامه در خصوص ایران در سال ۲۰۰۹ دو برابر شد. این برنامه در سال ۲۰۱۴ با دخالت نهادهای امنیتی، وزارت علوم و نهاد ریاست جمهوری از حالت رسمی خارج شد. اما از طریق دانشگاه UCLA به شکل غیر رسمی با دعوت اساتید برای شرکت در سمینارها و یا اعطای بورسیه به دانشجویان و بخش خصوصی هنوز فعال می‌باشد.

۲-۳. آموزش زبان انگلیسی؛^۲

نظام تدریس زبان انگلیسی در ایران یکی دیگر از زمینه‌های تاثیر قدرت نرم آمریکا در ایران است. هرچند که مؤسسات آمریکایی در ایران شعبه فعال ندارند ولی به جهت ارتباط عمیقی که میان زبان و فرهنگ وجود دارد، با آموزش زبان انگلیسی فرهنگ مربوط به آن نیز منتقل می‌شود. از دیگر موارد در این زمینه می‌توان به آموزش زبان فارسی به آمریکاییان (آموزش زبان معکوس) اشاره نمود. وزارت خارجه آمریکا بر اساس طرحی موسوم به^۳ FLTA دانشجوین ایرانی زبان انگلیسی را به آمریکا دعوت نموده تا به عنوان معلم زبان فارسی به تدریس مشغول گردند (اصغری راد،

^۱ Fullbright Program

^۲ English Teaching

^۳ "Foreign Language Teaching Assistant (FLTA) In International Visitors

۱۳۹۰: ۷۵). در همین خصوص می‌توان به برنامه‌های CELTA^۱ و FLTA طی سال ۲۰۱۰ اشاره نمود که با همکاری برخی کشورهای همسایه به صورت متمرکز اجرا شد.

۳-۳. بازدیدکنندگان بین‌المللی از آمریکا^۲

«IVLP» را وزارت خارجه آمریکا، با موضوع « برنامه‌های بازدیدکنندگان از آمریکا » در قالب تفاهم نامه در ایران نیز بعد از انقلاب اسلامی اجرا نمود. اعزام متخصصین رشته‌های مختلف به آمریکا در قالب دوره‌های بازدیدی از ویژگی‌های این برنامه ۱۵ روزه می‌باشد. گروه‌هایی از ایران شامل طراحان لباس، پزشکان، اساتید دانشگاه، روحانیون، ورزشکاران، هنرمندان، نخبگان علمی و چند گروه اجتماعی دیگر در این دوره‌ها شرکت کرده‌اند (اصغری راد، ۱۳۹۰: ۷۷) در دولت یازدهم و دوازدهم با توجه به نقش آشکار برنامه بازدیدکنندگان بین‌المللی و اثرگذاری آن‌ها در گروه‌های مرجع و جلوگیری‌ها و ممانعت‌هایی که از طریق نهادهای امنیتی صورت گرفت، برنامه‌های بازدیدکنندگان از طریق دانشگاه UCLA آمریکا در گروه‌های نخبگان در رشته‌های مختلف به‌صورت غیررسمی و از طریق شرکت‌های خصوصی اعزام به خارج با همکاری برخی از اساتید دانشگاهی برگزار شد.

۳-۴. آموزش روزنامه‌نگاران

همه ساله در حدود ۲۹ موسسه آمریکایی روزنامه‌نگاران کشورهای مختلف از جمله ایران را به منظور برگزاری دوره‌های آموزشی دعوت به عمل می‌آورد. با توجه قطع رابطه دیپلماتیک ایران و آمریکا اکثر برنامه‌های فرهنگی در فضای مجازی و در قالب تبادل دانشجویی به انجام می‌رسد. در این برنامه‌ها به گروه‌های خاصی از جامعه که تاثیر بالاتری دارند، توجه ویژه‌ای مبذول می‌شود (اصغری راد، ۱۳۹۰: ۵۶). در دولت یازدهم و دوازدهم، آموزش روزنامه‌نگاران و موسسه‌هایی مانند ایران وایر در گروه همدستان وزارت خارجه بیشترین فعالیت را داشته است.

۳-۵. رسانه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان

«دنيس مك كويل»^۴ (مک کویل، ۱۳۸۸: ۸۸) در زمینه اثرگذاری رسانه‌ها به بیان نوع شناسی جامعی در این رابطه پرداخته است. در این نوع شناسی او تمایز اساسی بین آثار کوتاه‌مدت و درازمدت و آثار عمدی و غیرعمدی برقرار می‌کند، اما سنجش دقیق آثار مختلف را در این رابطه

^۱. "Certificate in Teaching English to Speakers of Other Languages"

^۲International Visitors

^۳. International Visitor Leadership Program (IVLP)

^۴ Denis McQuail

دشوار می‌داند. امروزه نقش رسانه‌ها در تعیین دستور کار تصمیم‌گیری سیاسی با استفاده از عملیات روانی، فریب و وارونه جلوه دادن حقایق بسیار برجسته هست. نمونه بارز این اثرگذاری بر افکار عمومی را می‌توان در جریان اتفاقات ریاست جمهوری سال ۸۸ ایران و آبان ۹۸ و حتی در همین ایام (پائیز ۱۴۰۱) مشاهده کرد. اثرگذاری تلویزیون BBC فارسی و تلویزیون فارسی‌زبان ایران اینترنت‌نشال به قدری وسیع و تأثیرگذار بر اغتشاشات داخلی است که دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن اتخاذ موضع‌گیری در قبال دروغ‌پراکنی‌ها و انجام عملیات فریب، روابط خود با عربستان که از حامیان مالی شبکه ایران اینترنت‌نشال و انگلیس که حامی برنامه‌های اجرایی این شبکه‌ها در خاک خود می‌باشد را با چالش همراه ساخته است. آثار شبکه‌های فارسی‌زبان در کنترل اجتماعی و فرهنگ‌سازی مقابله‌ای و تغییرات اجتماعی در قبال جمهوری اسلامی ایران کاملاً مشهود است. رژیم‌های توتالیتر، آشکارا از رسانه‌ها برای اعمال کنترل اجتماعی و نفوذ در فرآیند اجتماعی شدن استفاده می‌کنند.

در همین راستا قائلین به نظریه برجسته سازی یا «نظریه تعیین دستور کار» معتقدند که چیزی که برجسته شود اهمیت پیدا می‌کند (ذوالفقاری، مهدی؛ ۱۳۹۳: ۱۲۶) شبکه‌های ماهواره‌ای بی.بی.سی. (BBC)، وی، او، ای (VOA)، ایران اینترنت‌نشال (IR. INTERNATIONAL) و من و تو (manotv.com) با کارکردهای سیاسی، تغییر اجتماعی (معرفی الگوی سبک زندگی غربی) و براندازی نظام جمهوری اسلامی، با اهمیت دادن و برجسته کردن برخی اخبار و موضوعات، آن‌ها را در دستور کار جامعه قرار می‌دهند و با مهم قلمداد کردن آن‌ها، نیروهای جامعه را به آن مشغول می‌کنند (بهرامی، ۱۳۸۸: ۲۲). بنابر نظریه اولسون و همکاران، محتوای رسانه‌ها، درک عموم مردم را از میزان اهمیت موضوع تحت تأثیر قرار می‌دهند (محمدی، ۱۳۹۳: ۷).

۱-۵-۳. تأثیرگذاری شبکه‌های فارسی‌زبان

مدیران و سیاست‌گذاران شبکه‌های فارسی‌زبان بخصوص شبکه‌های خبری در استخدام خبرنگاران داخلی ایرانی از داخل کشور در سطوح مدیریتی و خبری شبکه‌ها اهداف متفاوتی چون: تأثیرگذاری بر قشرهای مختلفی از مخاطبین که عمدتاً جوان هستند را دنبال می‌کنند و از افرادی که دارای پایگاه دینی، اجتماعی، تحصیل کرده دانشگاهی و افراد جوان و فعال در برخی شاخه‌های هنری می‌باشند و دغدغه جوانان ایرانی را می‌شناسند، استفاده می‌نمایند تا بیشترین تأثیرگذاری را در پوشش برنامه‌ها بازتولید نمایند.

۲-۵-۳. هدف قرار دادن قشرهای خاصی از جوانان

یکی از سیاست‌های مدیریتی این شبکه‌ها تأثیرگذاری بر قشرهای خاصی از جوانان، مثل ورز شکاران، چهره‌های فعال هنری، گروه‌های غیرقانونی و تولید موسیقی زیرزمینی و دانشجویان است که در حوادثی مانند انتخابات ۸۸ و اعتراضات آبان ۹۸ و حتی در همین ایام (پائیز ۱۴۰۱) اهمیت آن‌ها برای این شبکه‌ها برجسته شده و این شبکه‌ها با استفاده از شکاف نسلی موجود در جامعه ایرانی، برای نشان دادن میزان نارضایتی‌ها و فاصله بین نظام و دانشجویان، سعی در القای این مفهوم به مخاطبین می‌باشد که قشر جوان و دانشجو خود را جدا از نظام ببیند.

۳-۵-۳. اهداف راهبردی شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان برای ایرانیان

در بحث اهداف راهبردی شبکه‌های فارسی‌زبان که عمدتاً با دو رویکرد به دنبال اهداف خود که همان استحاله نظام جمهوری اسلامی در بعد فرهنگی و براندازی سیاسی و نابودی حکومت جمهوری اسلامی را دنبال می‌کنند دو هدف راهبردی آشکار و پنهان را می‌توان استخراج نمود: (صبوری، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲)

اهداف آشکار: شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای در برنامه‌های گوناگون و متنوع سعی می‌کنند، این اهداف آشکار را دنبال نمایند:

۱. برگزیدن کسانی که در جمهوری اسلامی ایران اجازه یا فرصتی برای سخن گفتن ندارند؛
۲. پرداختن به حوادث پشت پرده نظام جمهوری اسلامی با تمرکز در بستر تاریخ؛
۳. ایجاد شناخت آزادانه و جهت‌دار از فرآیندهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بهره‌مندی از مخاطبان اطلاعات روز بدون سانسور؛
۴. القای نارضایتی به بدنه نظام و برجسته کردن مسائل جزئی و همچنین آشکار کردن فساد مسئولین در جهت تخریب چهرها و دوقطبی کردن جامعه؛
۵. ترغیب و تشویق مخالفان و ناراضیان از حکومت جمهوری اسلامی به ایجاد اغتشاش و نافرمانی مدنی؛

اهداف پنهان: این شبکه‌ها با ارائه برنامه‌های متنوع در کنار اهداف آشکار به اهداف پنهان ذیل نیز دامن می‌زنند:

الف. بازآفرینی چهره‌های از یادرفته و به تاریخ پیوسته فرهنگی و سیاسی برای مخاطبان به‌ویژه جوانان و نسل حاضر؛

ب. بازخوانی افکار اشخاصی ویژه، شامل فراریان، معاندین، فرقه‌گرایان؛



ج. اقناع مخاطبان نسبت به اهداف و باورهای از پیش طراحی شده؛

د. القای جو سانسور و خفقان و محدودیت در کشور و لزوم توجه به اهداف موردنظر و

باورمند کردن بخش زیادی از گروه روشنفکران به اهداف از پیش تعیین شده؛

با تلفیق اهداف پنهان و آشکار شبکه‌های فارسی‌زبان، درمجموع اهداف راهبردی آن‌ها شامل مورد ذیل می‌باشد:

۱. نقش اطلاعاتی در کلیه بحران‌ها، حوادث و رویدادهای سیاسی ایران؛
۲. دامن زدن به اختلافات مذهبی (اختلافات شیعیان و اهل سنت) و اختلافات قومی در ایران؛
۳. معرفی شبکه‌های خبری فارسی‌زبان به‌عنوان منبع خبری برای ایرانیان در بحران‌های سیاسی، قومی، مذهبی و اجتماعی و فرهنگی؛
۴. القای بی‌طرفی و عدم جانبداری در رویدادهای داخلی ایران در برخی از حوزه‌ها؛
۵. تلاش برای جذب مخاطبان تحصیل‌کرده جامعه ایران و جوانان؛
۶. معرفی شبکه به‌عنوان ملجأ و حامی مردم و مخاطبان ایرانی؛

۴. حقوق بشر و قدرت نرم آمریکا

یکی از ابزارهای مهم که آمریکا از آن علیه ایران و سایر کشورها استفاده می‌کند، حقوق بشر است. حقوق بشر موضوعی چند وجهی است که شامل امور فرهنگی، تمدنی، دینی می‌باشد. به علاوه این موضوع را می‌توان از بعد حقوقی، حاکمیتی و امنیتی نگریست (سیمبر، ۱۳۸۳: ۴۰). حقوق بشر به شکل ساده عبارتست از "حقوق اخلاقی مهم و برجسته" (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۷۳). این موضوع یکی از پرکاربردترین مفاهیم قدرت نرم آمریکا در مقابله با ایران است. در این راستا آمریکا بازیگران متعددی را در ایران سامان داده است که به عنوان نمونه می‌توان به کانون مدافعان حقوق بشر، دیدبان حقوق بشر نام برد (سجادپور و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰).

همچنین تلاش رسانه‌های ضد ایرانی برای معرفی ایران به عنوان ناقص حقوق بشر، راه اندازی رادیو فردا، فارسی وان، ایران اینترنشنال، شبکه صدای آمریکا از دیگر مواردی است که آمریکا در راستای استفاده ابزاری از حقوق بشر در قبال ایران از آن بهره می‌برد.

به عنوان نمونه نقش رسانه‌ها در حوادث آبان ۹۸ و غایله گرانی بنزین بسیار پررنگ بود. تلاش این رسانه‌ها در "دیو و دلبر" سازی به قسمی بود که معترضان و برهم زندگان امنیت به عنوان دلبر و مامورین قانون به عنوان دیو معرفی شدند.

و وضع تحریم‌های یکجانبه آمریکا به شکل فشار حداکثری بر اقتصاد دولت‌های هدف تحریم به

ویژه کشور ایران در سال‌های اخیر منجر به نقض گسترده تعهدات حقوق بشری کشورهای هدف گردیده که شکل‌گیری ادبیات هدفمندسازی تحریم‌ها و حتی سرعت بخشی روند اتهام نقض حقوق بشر را در ایران بدنبال داشته است (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۲).

در همین رابطه آمریکا اقدام به حمایت از بنیادهای به نام بنیاد ملی دموکراسی، بنیاد جامعه باز، خانه آزادی نمود که فعالیت خود را در زمینه حقوق بشر اختصاص داده‌اند. آمریکا دایما در حال ارایه طرح‌های تازه در استفاده ابزاری از حقوق بشر و دموکراسی می‌باشد. در مجموع راهکارهای آمریکا را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه نمود.

۱. سازمانهای غیر دولتی یا NGO

۲. اعطای جایزه سالیانه به نام "مدافعین حقوق بشر"

۳. تشکیل صندوق مدافعین حقوق بشر تحت سرپرستی وزارت خارجه و با بودجه کلان.

۵. تقویت بسترهای بی‌ثباتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا

مفهوم ثبات و بی‌ثباتی مفهومی بسیار سیال است به قسمی که مثلا نقد و تحلیل دولت، اعتراض و اعلام نارضایتی از نظر برخی حکومت‌ها مصداق بی‌ثباتی و از نظر برخی دیگر عملی عادی تلقی می‌گردد. به علاوه عوامل موثر بر بی‌ثباتی سیاسی حکومت‌ها در اقتصاد، سیاست، امنیت، فرهنگ، و اجتماع نیز بسیار متغیر است. مجموع این عوامل سبب شده که سنجش بی‌ثباتی در کشورها، کاری بسیار مشکل گردد. از اینرو نمی‌توان برای توصیف بی‌ثباتی یک کشور تنها به یک یا دو متغیر بسنده نمود، بلکه هر یک از این عوامل، وزن متفاوت و متناسب به هر کشور دارند. به شکلی کلی متغیرهای بی‌ثبات ساز سیاسی شامل: انقلاب، کودتا، جنگ داخلی، کاهش مشروعیت، خشونت و سرکوب مردم، شورش‌های قومی، تجزیه طلبی می‌باشد. در بعد اجتماعی-فرهنگی شامل: آشوب شهری، نابرابری اجتماعی، فساد اداری-مدیریتی، فقدان آزادی مدنی، افراط‌گرایی قومی-مذهبی، کاهش انسجام ملی می‌باشد. در بعد اقتصادی نیز شامل بیکاری، فساد مثل ارتش‌های، اختلاس، جعل اسناد، قاچاق، پولشویی و رشوه. افزایش فقر و محرومیت، تبعیض، و تحریم می‌باشد. نکته لازم بذکر اینکه متغیرهای سیاسی و اجتماعی تابع متغیر اقتصادی است و به این سبب است که آمریکا برای ایجاد بی‌ثباتی در ایران در دوره حسن روحانی اقدام به اعمال تحریم‌های بسیار سخت‌گیرانه و همه‌جانبه اقتصادی نمود. در این راستا با توجه به اینکه کلیه متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌توانند تابعی از متغیرهای اقتصادی باشند و تحریم کشور جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی یعنی در دولت یازدهم و دوازدهم از سوی دولت ترامپ موجب

بی‌ثباتی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در ایران گردید (فلاحی، ۱۳۹۶: ۴۵).

۵-۱. استراتژی ترامپ و خروج از برجام

ترامپ از همان نخستین روزهای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا تا به امروز، رویکردی تخصیصی علیه ایران اتخاذ نموده و شدیدترین انتقادات را در قبال توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام مطرح کرده است و دولت اوباما را به دلیل عدم توانایی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های آمریکایی در ایران و عدم گنجاندن نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های موشکی ایران در این توافق، مورد عتاب شدید خود قرار داده است و برجام را یک «توافق بد» تلقی می‌نماید. وی در کارزارهای انتخاباتی خود وعده داد که در صورت تکیه زدن بر کرسی ریاست جمهوری، از برجام خارج خواهد شد و از طریق اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی ایران را مجبور به پذیرش خواسته‌های خود، خواهد نمود. از این رو ترامپ در مشورت با تیم امنیت ملی خود، استراتژی جدید و پیشنهادی آن‌ها درباره ایران را پذیرفت و این استراتژی توسط کاخ سفید در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ منتشر شد. در بررسی‌های انجام‌شده در رابطه با متغیرهای بی‌ثباتی در ایران در دوره دولت یازدهم و دوازدهم، استراتژی متحاربانانه ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و همچنین خروج آمریکا از برجام هم بی‌ثباتی سیاسی و هم عدم ثبات اقتصادی را موجب گردید (<https://www.euronews.com>).

۵-۲. افزایش تنش‌های بی‌ثباتی در ایران

پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای و تشدید تحریم‌های اقتصادی این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، واشنگتن در راستای سیاستی موسوم به فشار حداکثری؛ به اقداماتی تحریک‌آمیز مانند اعزام یک ناوگروه، چند بمبافکن بی-۵۲ و چند جنگنده اف-۲۲ به منطقه، توقیف نفت‌کش ایرانی در عربستان تحریم وزیر خارجه ایران و پنج فرمانده دریایی سپاه، قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی و ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، روی آورد (<https://www.euronews.com>).

این در حالی است که امارات متحده عربی، عربستان، بحرین و اسرائیل از سیاست‌های آمریکا علیه ایران حمایت نمودند. پس از گذشت بیش از یک سال از بدعهدی آمریکا دولت ایران رسماً طرح خود برای کاهش تعهدات برجامی، از سال ۱۳۹۸ اجرایی کرد (<https://www.euronews.com>). در واقع ایران در قالب پنج گام، پنج محدودیت تعریف‌شده در برجام را به دلیل بدعهدی طرف‌های اروپایی زیر پا گذاشت. اقدامات ایران اگرچه یک‌رویه تلافی‌جویانه و مبتنی بر اقدام بر اساس اصل متقابل تعریف گردید اما باعث تنش‌های اقتصادی، افزایش

نرخ ارز و افزایش تورم را به دنبال داشت که موجب افزایش تنش‌های بی‌ثباتی در ایران در دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی گردید (موسویان، ۱۳۹۴: ۷۸).

۳-۵. انزوای سیاسی ایران

بر اساس گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران همواره به تعهدات برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در راستای نظارت و کاهش غنی‌سازی اورانیوم متعهد بوده است. عدم تعهد به روح برجام دلیل ظاهری خروج ایالات متحده آمریکا است که در اصل دلایلی چون منزوی کردن سیاسی ایران در خاورمیانه، ایجاد محدودیت برای برنامه‌های موشکی و شاید به نوعی تغییر حاکمیت، هدف اصلی از خروج، بازگشت و تشدید تحریم‌های اقتصادی باشد (فدایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

مایک پمپئو در گفت‌وگو با نشنال جغرافی با طرح این ادعا که «ائتلافی عظیم علیه ایران راه انداخته که خطر این کشور را درک می‌کنند» مدعی شد: ما اطمینان حاصل کردیم که بازدارندگی را علیه ایران برقرار کرده‌ایم. ما قاسم سلیمانی را ترور کردیم. ما به سمت منزوی کردن ایران پیش می‌رویم. ما مجموعه‌ای از سیاست‌ها را داشتیم که به رسیدن به این درک که منزوی کردن ایران بهترین رویکرد است، کمک بیشتری می‌کرد. پمپئو ادعا کرد که از طریق «کمپین فشار حداکثری» میلیاردها دلار که دولت قبلی برای ایران مهیا کرده بود را از ایران سلب کرده‌اند. وی گفت: مردم تمام جهان خصوصاً مردم آمریکا درک می‌کنند که بازگشت به آن سیاست شکست‌خورده کج دار و مریض تهدیدی جدی علیه ایالات متحده روا می‌دارد.

انزوای سیاسی دولت ایران پس از خروج از برجام از هدف‌های مهم دولت آمریکا بخصوص دولت ترامپ بوده است که در این رابطه رئیس‌جمهوری ایران آقای روحانی در دیدار ایرانیان مقیم اتریش اظهار داشت: صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و برخی کشورهای معدود دیگر همواره دنبال این بودند که روابط ایران را با دیگر کشورهای جهان، همسایگانش و کشورهای دوست تضعیف کرده و یا در صورت امکان قطع کنند و هدف آن‌ها در حصر و در انزوا قرار دادن ایران و به تعبیری ترویج ایران هراسی در منطقه و جهان بوده است.

۶. سبک زندگی

جامعه ایران در دهه‌های اخیر مانند همه جوامع امروزی، دچار دگرگونی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، تغییر در سبک زندگی است که موجب شده جامعه در معرض چالش‌های جدی قرار گیرد. در جامعه، جوانان به واسطه

جامعه‌پذیری از طریق رسانه‌ها و وسایل جدید زندگی، پیشگامان تغییر هستند و پتانسیل الزام برای پذیرش سبک‌های زندگی جدید را دارند؛ اما این تغییر سبک زندگی به‌آسانی از طرف والدین جوانان مورد قبول قرار نمی‌گیرد و با مقاومت‌هایی روبه‌روست که بستری برای بروز آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۲۰).

سبک زندگی به بیان ساده، شیوه زندگی است و دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی که جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در برمی‌گیرد. سبک زندگی اغلب بیانگرانه است و شخص را به محیط پیرامونش معرفی می‌کند؛ این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها، انتخاب لباس‌ها و رفتارها (اعمال و کردارها) انتخاب فعالیت‌های فراغتی یا انتخاب وسایل زندگی و حتی گرینش دوستان می‌گردد (گیبیز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

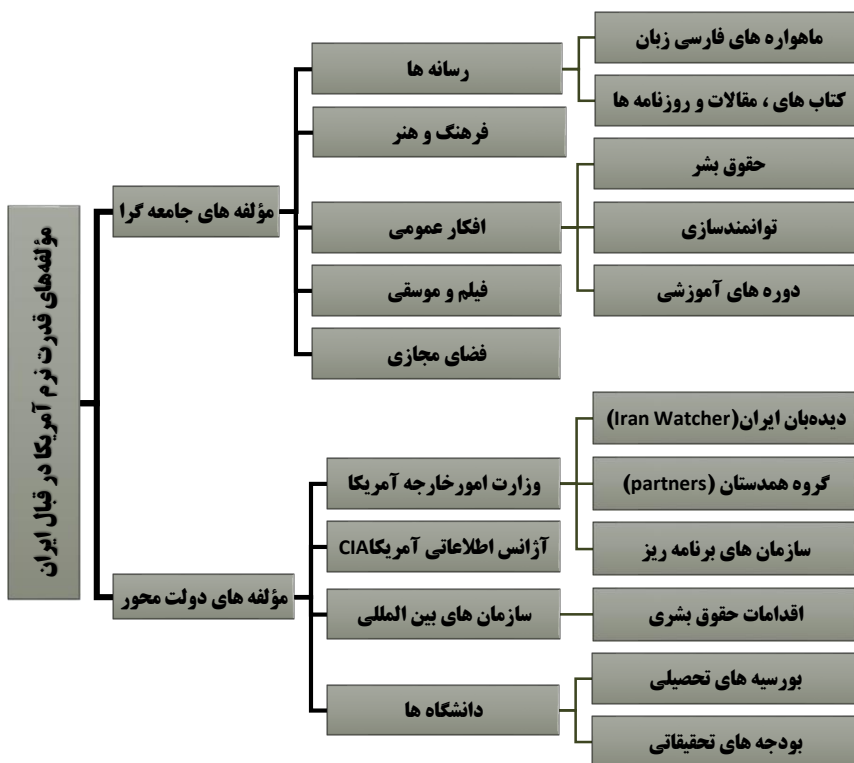
در دولت یازدهم و دوازدهم، سبک زندگی ایرانی از نظر قدمت تاریخی مورد توجه بوده و شاخصه‌ها و نمادهایی نیز در زندگی مردم دارد، سبک زندگی اسلامی که باید مسائل دینی را مدنظر داشته باشد و سبک زندگی غربی که از دوره قاجار شروع و در دوره پهلوی تقویت شده و در زمان حاضر نیز آثار آن شدت یافته است. با توجه به چندوجهی بودن سبک زندگی پرواضح است که تحولات اقتصادی، فرهنگی اجتماعی، سیاسی امنیتی و حتی زیستی و زیست‌محیطی نقش بسزایی در تغییرات داشته که مصداق بارز آن تأثیر کرونا بر سبک زندگی است.

مدل مفهومی مقاله

در تحقیق پیش رو با توجه به مفاهیم و تعاریف ارائه شده و سوالات فرعی و فرضیات مطروحه، مدل مفهومی پژوهش بر اساس نمودار ذیل بیان گردیده است. در این نمودار برخی از مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ به‌عنوان نماد مؤلفه‌های جامعه‌محور، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم آمریکا، طیف گسترده‌ای از متغیرهای خرد از قبیل، هنر، موسیقی، فیلم، سینما، تئاتر و مجلات روزنامه‌ها و نشریات را شامل می‌شود. در ادامه در این نمودار اقدامات نرم وزارت امور خارجه با بهره‌برداری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی و گروه همدستان، گروه دیده بان ایران و برخی از سازمان‌های برنامه‌ریز آمریکایی توانسته است سهم مهمی در بستری‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی در دوران دولت یازدهم و دوازدهم داشته باشد. (ذوالفقاری، مهدی ۱۳۹۳: ۱۱)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق یک تحقیق کاربردی است که روش انجام آن تبیینی (توصیفی-تحلیلی) یعنی توضیح رابطه بین متغیر مستقل و وابسته است. قدرت نرم ایالات متحده آمریکا متغیر مستقل، ظرفیت‌های موجود در عرصه بین‌المللی متغیر واسطه و جمهوری اسلامی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. روش تحلیل تحقیق به‌صورت کیفی قابل انجام است. تحلیل یافته‌ها به‌صورت کیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی گزارش و دلایل متقن و توصیفی در جهت اثبات فرضیه ارائه گردیده است.



متغیر

مستقل

متغیر

واسطه

متغیر

وابسته

• قدرت نرم ایالات متحده آمریکا

• ظرفیت های عرصه داخلی و بین المللی

• جمهوری اسلامی ایران

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که پیش‌ازاین نیز اشاره گردید، بر اساس عمده مطالب گردآوری شده از منابع قدرت نرم آمریکا در ایران در دوران دولت یازدهم و دوازدهم شناسایی گردید.

قدرت نرم آمریکا در قبال جمهوری اسلامی در دولت یازدهم و دوازدهم بر پایه دو مؤلفه جامعه‌گرا که کارویژه آن تغییر اجتماعی از یک سو و مؤلفه دولت محور یعنی اثر بخشی بر نخبگان جامعه تبیین گردید.

در این پژوهش، مؤلفه‌های جامعه‌گرا با کار ویژه تغییر اجتماعی در سبک زندگی توده مردم با بهره‌گیری از بستر فضای مجازی، ماهوارهای فارسی‌زبان و دیپلماسی رسانه‌ای از یک طرف و مؤلفه‌های نخبه محور مبتنی بر نقش دولت و حاکمیت آمریکا در ترویج ایده‌ها، تبلیغ باورها و خلق تفکرات جدید در جهت اثرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان جامعه؛ با کار ویژه وابسته سازی، اعتباربخشی و ذائقه سازی به‌عنوان متغیر مستقل ضمن تأثیرگذاری بر سطح آگاهی‌های توده مردم موجب تغییر در سبک زندگی شده و با ایجاد مطالبات سیاسی و افزایش تنش‌های بی‌ثباتی موجب تقویت بسترهای بی‌ثباتی سیاسی در دولت یازدهم و دوازدهم گردیده است.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

عمده مطالبی که پیرامون قدرت نرم آمریکا گردآوری گردید بر شناسایی منابع قدرت نرم این کشور و روش‌های استفاده از آن‌ها کمک می‌کند. حساسیت ویژه این نوشته‌ها بر دارایی‌های اساسی و

محسوس ایالات متحده آمریکا همچون، فرهنگ، آموزش و سرمایه انسانی، دوره‌های آموزشی، دانشگاه‌های مشهور و معروف، ظرفیت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌ها و ماهواره‌های فارسی‌زبان، فضای سایبری، دیپلماسی عمومی (آشکار و پنهان) و دولت تمرکز دارد. نای از سه عامل به‌عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد که عبارتند از فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی. البته نای هیچیک از این سه مؤلفه را به‌صورت مطلق مطرح نمی‌کند بلکه شروطی قائل می‌شود. به‌زعم وی فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد. ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند و البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورت مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره‌ی منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند. تعاملات زیادی در خصوص دامنه و گستره قدرت نرم کشور آمریکا در فضای مجازی در بسترهای متنوع در حال انتشار و در جریان است. در رابطه با قدرت نرم آمریکا، کتاب‌ها و مقالات زیادی در ایران چاپ و منتشر گردیده است اما آنچه از مطالعات کتابخانه‌ای برای نگارنده حاصل شد، ویژگی‌های و شاخصه‌های متفاوت و خاص در رابطه با منابع قدرت نرم این کشور هست. چندجانبگی و پیچیدگی مفهوم قدرت نرم و نیز در هم تنیدگی سیاست و فرهنگ در آمریکا با تاریخی پرفرازونشیب حماسی و نیز سابقه دیپلماسی و روحیه متحارب این کشور در سرزمین‌های خارج از قلمرو، رقابت با اروپا و اقتصادهای نوین در آسیا موجب تعدد منابع قدرت نسبت به دولت‌های دیگر شده است. برای فهم دقیق موضوع؛ مؤلفه‌های قدرت نرم در آمریکا را ابتدا به دودسته کلی جامعه‌گرا و نخبه‌گرا تقسیم کرده‌ایم: مؤلفه‌های جامعه‌گرا که هدف عمده آن‌ها مبتنی تغییر اجتماعی است و محصول آن را در فرآیندهای سبک زندگی افراد در جامعه مشاهده می‌کنیم. این مؤلفه‌ها عبارتند از دیپلماسی رسانه‌ای شامل ماهواره‌های فارسی‌زبان، کتاب‌ها، نشریات، روزنامه‌ها و مجلات، فرهنگ و هنر، فیلم و موسیقی، پلت برگه‌های فضای مجازی و افکار عمومی شامل دوره‌های آموزشی، توانمندسازی و دوره‌های حقوق بشری را می‌توان نام برد. دسته دوم مؤلفه‌هایی هستند که حاکمیت و دولت نقش اساسی در فرآیند کنترل، نظارت و اجرا را دارند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: تحصیلات عالی در دانشگاه‌ها که با ارائه بورسیه‌های تحصیلی، اعزام‌های دانشجویی، فرصت‌های مطالعاتی و بودجه‌های تحقیقاتی در جهت نفوذ و ایجاد وابستگی علمی، اعتباربخشی و ذائقه سازی صورت می‌گیرد. سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر ارائه بودجه‌های تحقیقاتی در حمایت از کنشگران و سازمان‌های مردم‌نهاد، به ترویج ایده‌ها، تبلیغ باورها و خلق تفکرات جدید در جهت اثرگذاری بر افکار عمومی گام برمی‌دارند. قدرت نرم ایالات متحده آمریکا

به‌عنوان متغیر مستقل مبتنی بر مؤلفه‌های جامعه‌گرا با کار ویژه تغییر اجتماعی در سبک زندگی توده مردم با بهره‌گیری از بستر فضای مجازی، ماهواره‌های فارسی‌زبان و دیپلماسی رسانه‌ای از یک‌طرف و مؤلفه‌های نخبه محور مبتنی بر نقش دولت و حاکمیت آمریکا در ترویج ایده‌ها، تبلیغ باورها و خلق تفکرات جدید در جهت اثرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان جامعه؛ با استفاده از ظرفیت‌های موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی به‌عنوان متغیر واسطه، با استفاده از ملزومات قدرت نرم تحول و تغییری را در جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم و دوازدهم بازتولید نموده که باعث تغییر سبک زندگی و بی‌ثباتی سیاسی را به دنبال داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

در این پژوهش و بر اساس عمده مطالب گردآوری‌شده از منابع قدرت نرم آمریکا در ایران در دوران دولت یازدهم و دوازدهم، قدرت نرم آمریکا مبتنی بر مؤلفه‌های جامعه‌گرا با کار ویژه تغییر اجتماعی در سبک زندگی توده مردم با بهره‌گیری از بستر فضای مجازی، ماهواره‌ای فارسی‌زبان و دیپلماسی رسانه‌ای از یک‌طرف و مؤلفه‌های نخبه محور مبتنی بر نقش دولت و حاکمیت آمریکا در ترویج ایده‌ها، تبلیغ باورها و خلق تفکرات جدید در جهت اثرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان جامعه؛ با کار ویژه وابسته سازی، اعتباربخشی و ذائقه سازی به‌عنوان متغیر مستقل ضمن تأثیرگذاری بر سطح آگاهی‌های توده مردم موجب تغییر در سبک زندگی شده و با ایجاد مطالبات سیاسی و افزایش تنش‌های بی‌ثباتی (خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای، تشدید تحریم‌های اقتصادی و اقدامات تحریک‌آمیز مانند اعزام ناگروه جنگی، بمب‌افکن‌های بی-۵۲، جنگنده‌های اف-۲۲ به منطقه خلیج فارس، توقیف نفت‌کش ایرانی در عربستان، تحریم وزیر خارجه ایران و پنج فرمانده دریایی سپاه، قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی و ترور سردار قاسم سلیمانی) موجب تقویت بسترهای بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران گردیده است. آثار این بی‌ثباتی سیاسی در عدم انسجام اجتماعی و عدم باورپذیری مردم نسبت به حاکمیت و دولت تسری یافته است. اغتشاشات و اعتراضات اخیر توسط برخی از جوانان و دانشجویان از شهریور ۱۴۰۱، اگرچه متأثر از انباشت مطالبات مردم به خاطر حامی پروری، تبعیض، مشکلات اقتصادی، تبختر برخی مسئولان نظام و ... نشأت گرفته، اما در حقیقت به‌نوعی مبتنی بر سازوکار نفوذ در «ترجیحات اجتماعی» است. قدرت نرم یا همان «قدرت جذاب» که نای معتقد است مزیت آن در نوع نفوذ تبلور می‌یابد؛ توسط ابزارها و مؤلفه‌هایی ملموس از قبیل؛ دوره‌های آموزشی،

جذابیت‌های فرهنگی، ارائه سبک نوین در زندگی اجتماعی و اثرگذاری مستقیم فضای مجازی و ماهواره‌های فارسی‌زبان موجب «تغییر اجتماعی» و «استحاله نظام» می‌گردد. بدیهی است که این مؤلفه‌ها به تدریج به مخاطبین کمک می‌کند تا توانایی تغییر باورها و عقاید را برای دیده شدن و به حساب آمدن در خود نهادینه نموده و در جامعه با تخطی از باور دینی مانند برداشتن حجاب از سر تسری دهند. پوشش و حجاب زنان و مردان در باور دینی، از محک‌های قرآنی است که از یک گرایش خاضعانه درونی (ایمان قلبی) و دینی نشأت می‌گیرد، اما در اغتشاشات و اعتراضات اخیر بی‌حجابی دختران و پوشش ناهنجار پسران متأثر از مصادیق و مؤلفه‌های نفوذ از دوران دولت‌های گذشته تا دوران دولت‌های یازدهم و دوازدهم تسری یافته و تبلور نتایج آن در دولت سیزدهم با تغییر باورها و عقاید و تغییر اجتماعی آشکار گردیده است.

ب: پیشنهاد

در پایان بر اساس مطالعات صورت گرفته دو پیشنهاد در جهت مقابله با نفوذ روز افزون قدرت می‌گردد:

۱. موضوع نفوذ فرهنگی بسیار جدی است و جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس صف‌آرایی و برنامه‌های فرهنگی آمریکایی و غربی؛ راهکار و برنامه‌های فرهنگی اثرگذار با استفاده از رسانه‌ها، فضای مجازی و آموزش را به‌عنوان یک راهبرد اصلی دنبال و اجرا نماید.
۲. در رابطه با میزان اثر بخشی قدرت نرم آمریکا در جمهوری اسلامی در خصوص دلایل اثرگذاری، میزان نفوذ و از همه مهمتر شناخت مصادیق نفوذ و اثر بخشی قدرت نرم آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تحقیقات جامعی صورت گیرد.

منابع الف - فارسی

- آقا بخشی، علی (۱۳۷۷)، «فرهنگ علوم سیاسی»، تهران. انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی»، *نامه علوم اجتماعی*، تهران. شماره ۲۰، صص ۴۲-۵۸
- اصغری راد، جواد (۱۳۹۱)، «درآمدی بر دیپلماسی عمومی آمریکا». تهران. انتشارات مرکز پژوهشی و آموزشی کوثر
- پیشگاهی فرد، زهرا و قالیباف، محمداقبر (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی»، *نشریه علمی راهبرد تحقیقات استراتژیک وزارت علوم*، تهران. شماره ۶۱، صص ۴۱-۸۹
- تافلر، الوین (۱۴۰۰)، «جایگاهی قدرت»، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران. انتشارات آگاه.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و اسماعیلی، بشیر (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه سینمای هالیوود در دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا: بازنمایی، هژمونی فرهنگی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، تهران. شماره ۱۶، صص ۷۴-۸۹
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸)، «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، تهران. سال سوم، شماره ۸، صص ۵۲-۸۴
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، «مفهوم‌سازی ژئوپلیتیک اینترنت و فضای مجازی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، تهران. سال هفتم، شماره اول، صص ۶۷-۵۶
- حسینی، حسین، مقدم فر، حمیدرضا و قنبر پور، مصطفی (۱۳۹۳)، «واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، تهران. سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۳۵-۵۱
- خداوردی، حسن و رحمتی، فرزانه (۱۳۹۷)، «راهبرد قدرت نرم آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، تهران. سال دهم، شماره ۳۹، صص ۲۳-۴۱

- خرازی آذر، رها (۱۳۸۷)، «*دیپلماسی رسانه‌ای، مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*»، تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام
- خرازی آذر، زهرا (۱۳۹۴)، «*درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای*»، *فصلنامه علوم سیاسی*، تهران، سال یازدهم، شماره ۳۲، صص ۱۵-۲۷
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۳)، «*نقش قدرت نرم در سیاست خارجی بریتانیا در قبال ایران*»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه دکتری
- رحمت‌آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵)، «*سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان*»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، تهران، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۴-۲۵
- زنگی اهرمی، عهدیه؛ عزیزی مراد پور، حمید و باقر زاده، احد (۱۴۰۰)، «*آثار تحریم های یکجانبه بر رعایت حقوق بشر با تأکید بر تحریم های ایالات متحده آمریکا علیه ایران*»، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی*، تهران، سال یازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۹-۶۸
- سجادیپور، محمدکاظم و محمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، «*ابعاد بین‌المللی حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها ...*»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، تهران، شماره ۲، صص ۵۹-۹۲
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳)، «*سیاست خارجی آمریکا و حقوق بشر*»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، تهران، شماره ۱۹۴-۱۹۳، صص ۳۴-۴۱
- صادقی، سید صاحب و اسفندیاری، احمد (۱۳۹۲)، «*دیپلماسی فرهنگی آمریکا در خاورمیانه*»، تهران، انتشارات خبرگزاری فارس
- صوری، مجتبی (۱۳۹۴)، «*پشت‌صحنه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان*»، تهران، نشر سپهر حکمت.
- ضیایی پور، حمید (۱۳۹۴)، «*جنگ نرم: ویژه جنگ رایانه‌ای*»، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر.
- عاملی، سید سعید رضا (۱۳۸۹)، «*مطالعات انتقادی استعمار مجازی آمریکا: قدرت نرم و امپراتوری‌های مجازی*»، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- عسگری، حسین (۱۳۸۶)، «*اقدامات سیاست‌های آمریکا در قبال ایران*»، تهران: انتشارات

- موسسه ابرار.
- فدایی، فریبا، عسگر خانی و مرادی (۱۴۰۰)، « پایبندی ایران به تعهدات بین‌المللی در برجام و اقدامات منجر به کاهش تعهدات »، *پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی*، تهران، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۲۸-۱۲
- فلاحی، علی (۱۳۹۶)، « شکل‌گیری انقلاب‌های رنگین »، تهران. *نشر سایت آرت نت*
- قزوینیان، جان (۱۴۰۱)، « *ایران و آمریکا* »، ترجمه محسن عسکری جهتی، تهران. نشر نیماژ.
- قهرمان پور، رحمن (۱۳۸۷)، « تله دیپلماسی با دیپلماسی عمومی و موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران »، *مجموعه مقالات دیپلماسی رسانه‌ای*، تهران. انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کاظم پور، سید محمد (۱۳۸۳)، « *چارچوب‌های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی* »، تهران. انتشارات وزارت امور خارجه.
- کتابی، محمود؛ یزدانی، عنایت‌الله و رضایی، مسعود (۱۳۹۱)، « قدرت نرم و راهبرد هژمونیک‌گرایی آمریکا »، *دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی*، تهران، سال هشتم، شماره دوم، صص ۸۶-۴۵
- گیبینز، جان و بوریم (۱۳۸۵)، « *سیاست پست‌مدرنیته* »، ترجمه منصور انصاری، تهران. انتشارات گام نو
- لنون، الکساندرتی. جی. (۱۳۸۸)، « *کاربرد قدرت نرم* » ترجمه محسن روحانی، تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ماه پیشینیان، مهسا (۱۳۸۹)، « امنیت نرم و چهره ژانوسی رسانه‌ها » *فصلنامه رسانه*، تهران، شماره ۷۸، صص ۵۸-۴۱
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۱)، « *روند تحول قدرت نرم ۲۰۱۳-۱۷۹۲* »، تهران. نشر ساقی
- محمدی صیف، معصومه (۱۳۹۳)، « شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده »، *فصلنامه تخصصی رسانه و خانواده*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، تهران، شماره ۷، صص ۳۶-۲۳
- محمدی، علیرضا؛ دانایی، ابوالفضل و زرگر، سید محمد (۱۴۰۰)، « ارائه الگوی راهبردی

- ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی عملیات روانی»، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، تهران، سال یازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۴۰۰، صص ۲۲۰-۱۹۹
- مصفا، نسرين و ابراهیمی، نبی اله (۱۳۸۷)، « جایگاه حقوق بشردر نظریه‌های بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، تهران، شماره ۴، صص ۲۷۰-۲۵۹
 - معاونت پژوهشی مؤسسه مطالعات و تحقیقات رسانه (۱۳۹۳)، « پروپاگانداي شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان»، تهران، انتشارات مؤسسه رسانه، ص ۱۲۵
 - مک کویل، دنيس (۱۳۸۸)، « درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی»، ترجمه پرویز اجلالی، تهران، مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ اول
 - موسویان، سید حسین (۱۳۹۴)، « روایت بحران هسته‌ای»، چاپ اول، تهران. انتشارات پیام.
 - نامی، محمدحسن و شامی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، « فضا بعد چهارم قدرت»، تهران. انتشارات زیتون سبز
 - نای، جوزف (۱۳۸۷)، « قدرت نرم»، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 - نقیب زاده، احمد (۱۳۸۳)، « تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل»، تهران. نشر قومس
 - نوابخش، مهرداد (۱۳۷۸)، « دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی»، تهران. انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام
 - نوام چامسکی (۱۳۸۳)، « کنترل رسانه‌ها»، ترجمه ضیا خسروشاهی، تهران. انتشارات درسا
 - هایمن، وئیز (۱۳۹۲)، « مطالعه موردی قدرت نرم»، ترجمه سید محسن روحانی، تهران. انتشارات امام صادق (ع).
 - وزارت امور خارجه (۱۳۸۰)، « مجموعه مقالات ارائه‌شده در سمینار رسانه‌ای ایران و آلمان»، تهران. انتشارات وزارت امور خارجه
 - یاسوشی، واتانابه و مک کانل، دیوید (۱۳۸۹)، « آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم؛ مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا»، ترجمه سید محسن روحانی، تهران. ناشر دانشگاه امام صادق (ع).

ب: منابع انگلیسی

- Bosah Ebo.(1998). *Media Diplomacy and Foreign Policy; Toward a Theoretical Framework*. *Journal of news media and foreign Relations*,16(6),458-478.
- Douglas,Bowers (2012). *Public diplomacy*. blogfa.com.
- James, Watson & Anne, Hill (2006). *Dictionary of Media and communication studies*, 7th edition, Hodder Arnold publication,
- K. Hindell(1995). *The Influence of the Media on Foreign Policy; International Relations*,*Journal of policy making* 12(4), 8-13
- Lyn Gorman & David Mclean (2003). *Media and Society in the twentieth century; A historical introduction*. Blackwell19(4)8,15-25
- McClory, Jonathan(2012). *The New Persuaders III; Global Ranking of Soft Power*. An Institute for Government.
- Nye, Joseph S. (2004) *Soft Power: The Means to Success in World Politics, public Affairs*. Oxford University Press.
- Nye, Joseph S. (2011), *The Future of Power, Public Affairs*. Oxford University Press.
- Nye, Joseph.S (2008), *The Powers to Lead*. Oxford University Press.
- Reinold, thesa (2008). *Soft Power in Foreign Policy - The U.S. and the Wars Against Iraq in 1991 and 2003*. Akademiker Verlag Press.

COPYRIGHTS

2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>